Archive of SID

ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامهٔ علمی، سال اوّل، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۷۴- ۱۰۲

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی از منظر هانس روبرت یاوس
(پژوهشی)

نغمه حسین قزوینی*
منصور حسامی**

چکیده

اشیاء روزمرّه مبنای بسیاری از تشبیهات و استعارات بدیع در ادب فارسی هستند، اشیائی که بسیاری از آن‌ها در دنیای کنونی مهجور و نامأنوس بوده و این امر سبب می‌گردد به درک زیبایی‌شناختی شایسته از دریافت آن‌ها در متون ادبی نایل نگردیم. این پژوهش بر این فرض است که می‌توان با استمداد از روش بازسازی افق انتظار به معیار و ملاکی برای درک زیبایی‌شناختی از گسترهٔ این دریافت‌ها دست یافت. در تعریف مختصر این روش باید گفت، افق انتظار در منظر هانس روبرت یاوس معیاریست که خوانندگان برای قضاوت، ارزش‌گذاری و تفسیر متون ادبی یک عصر به کار می‌برند. وی معتقد است می‌توان آن را با دستورالعملی سه مرحله‌ای بازسازی نمود. در این پژوهش برای آزمون کارآمدی این روش، افق انتظار دو ظرف روشنایی پردریافت در متون ادب فارسی (قندیل و فانوس) بازسازی گردید. بدین ترتیب که در دو مرحله نخست، به استناد متون ادبی، نمونه های موجود در موزه ها و یا تصاویر آن‌ها در برخی نگاره‌ها، انتظارات واقعی مردمان از آن‌ها را که در نقش

* کارشناس موزه ملی ایران، (نویسنده مسئول). تهران. ایران.
qnaghmeh@gmail.com
** دانشیار گروه نقاشی دانشکدهٔ هنر، دانشگاه الزهرا. تهران. ایران.
mansourhessami@gmail.com
تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

www.SID.ir

Archive of SID

وجوه شبه استعارات و تشبیهات ظاهر شده‌اند، شناخته؛ و در مرحله سوم با مقایسه انتظارات واقعی از این ظروف با دریافت خلاقانه و خیال‌انگیز آن‌ها در متون ادبی؛ به تحلیل زیبایی‌شناختی آن‌ها در متون ادبی پرداخته شد. نتیجه این بازسازی‌ها نشان می‌دهد با این روش می‌توان به تفسیر زیبایی‌شناختی بهتری نسبت به دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادبی نایل گردید.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی دریافت، اشیاء روزمرّه، بازسازی افق انتظار، هانس روبرت یاوس.

۱. مقدمه و بیان مسألهٔ پژوهش

بسیاری از اشیاء روزمرّه همواره به دلیل جاذبه‌های زیبایی‌شناختی و کاربردی مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز و بدیع در متون ادبی هستند، این در حالی‌ست که بیشتر اشیایی که در متون ادبی مبنای بسیاری از خیال‌پردازی‌ها قرار گرفته‌اند؛ اکنون مهجور بوده و این امر اغلب موجب می‌شود که بسیاری از جنبه‌های زیبایی‌شناختی دریافت این اشیاء در متون ادبی مغفول بماند. زیرا هر از یک ویژگی‌ها و انتظارات جزئی کاربران از این اشیاء در نقش وجه شبه بسیاری از تشبیهات و استعارات در متون ادب فارسی ظاهر گردیده‌اند. به گونه‌ای که بدون شناخت ویژگی‌ها و کاربردهای هر یک از انواع این اشیاء، که مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات در متون ادب فارسی هستند؛ نمی‌توان به تفسیر بسیاری از متون ادبی ایران نایل گردید. در این مقاله برای شناخت انتظارات و ویژگی های واقعی اشیایی که مورد دریافت‌های خیال‌انگیز قرار گرفته‌اند، از رویکردی مخاطب‌مدار و تاریخ‌محور بهره گرفته شد؛ زیرا شاعران از انتظارات مشترک مخاطبین خویش برای بیان مقاصد خیال‌پردازانه خود، به بهترین نحو استفاده کرده‌اند.

بنابراین ویژگی‌ها و کاربردهای اشیاء روزمرّه در عالم واقعیت، به عنوان عناصر بصری مشترک نزد مخاطبین، در نقش وجوه شبه برای خلق استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز به کار گرفته شده‌اند؛ و شاعران برای خلق استعارات و تشبیهات بدیع و

www.SID.ir

Archive of SID

خیال‌انگیز از اشیاء روزمرّه پیرامون خود، علاوه بر یافتن وجوه شبه عمومی، با ریزبینی دقیق به یافتن وجوه شبه باریک‌بینانه‌تر از آن‌ها پرداخته‌اند. زیرا وجه شبه عامل اصلی در فعال نمودن ذهن مخاطب و مشارکت وی در دنیای خیال‌انگیز شعر و سهیم نمودن او در آفرینش هنری است (گلی و اسدی، ۱۳۹۳: ۳۶)؛ به عبارتی وجه شبه را می‌توان حلقه اتصال اندیشه و تفکر شاعر یا نویسنده با عالم واقع دانست؛ به گونه‌ای که می‌تواند جهان‌بینی و وسعت خیال سخنور را نشان داده و میزان خلاقیت وی را نشان دهد (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱ و ۱۲۳).به گونه‌ای که زبان‌شناسان، بر این اساس معتقدند که استعاره‌ها صرفا در قالب قراردادهای زبانی نمی‌گنجند و یک سر آن همواره بر شناخت از پدیده‌های جهان خارج منوط است (افراشی، ۱۳۹۰: ۲۸).

در این مقاله برای شناخت انتظارات و ویژگی‌های واقعی اشیاء متنوّع و متعدّد روزمرّه که در نقش وجوه شبه بسیاری از استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز اشعار فارسی ظاهر شده‌اند. از رویکردی مخاطب‌مدار بهره گرفته می‌شود ، زیرا شاعران از انتظارات مشترک مخاطبین خویش از ظروف روشنایی به عنوان وجه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات بهره گرفته‌اند. لازم به ذکر است اهمیت به مخاطب در مطالعه آثار هنری رهاورد تفکر هانس روبرت یاوس (Hans Robert Jauss) است، او کسی است که همراه با ولفگانگ آیزر (Wolfgang Iser)، نظریه دریافت را در دهه ۱۹۶۰بنیان گذاشت. واژه زیبایی‌شناسی دریافت یا نظریه دریافت، زاییده تفکر مخاطب‌مدار یاوس است؛ زیرا از نظر وی یک اثر، شیء قائم به ذات نیست که همه مخاطبان آن در تمام دوره‌ها یک دیدگاه واحد را نسبت به آن اثر داشته باشند. وی خواهان تاریخ هنری است که به جای آفرینش به دریافت تمرکز دارد. او اولین گام برای نگارش تاریخ دریافت از آثار را، کنارگذاشتن اصول و مبانی زیبایی‌شناسی سنتی در تولید و عرضه، و حرکت به سمت زیبایی‌شناسی دریافت و تاثیر می‌داند. این مکتب با تکیه بر موضوع زیبایی‌شناسی دریافت و اهمیت خوانش آثار جایگاهی ویژه برای خواننده و مخاطب در نظر گرفته می‌شود که مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان و منتقدان قرار گرفته است (Rafey, 2005: 721 & Jauss,1982: 165). یکی از

www.SID.ir

Archive of SID

مهم‌ترین مباحثی که یاوس مطرح می‌کند، مفهوم افق انتظار است. افق انتظار معیاریست که خوانندگان هر عصر برای قضاوت، ارزش‌گذاری و تفسیر متون ادبی در یک عصر به کار می‌برند. البته معنا، و ارزش ادبی به صورت دائمی تعیین نمی‌شود؛ زیرا افق انتظارات هر عصر تغییر خواهد کرد؛ و در هر دوارن اثر ادبی در نور دانش، تجربه و فرهنگ محیط خودش، دوباره تفسیر می‌گردد(Cuddon, 2013: 338).

یاوس سه عامل اصلی برای افق انتظار قائل است: ۱) تجربه پیشین مخاطب از گونه هنری ۲) مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست ۳) تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی یا تقابل خیال و واقعیت، از نظر وی فاکتور سوم این امکان را برای مخاطب یک اثر فراهم می‌کند که یک اثر را در افقی باریک‌تر از انتظارات ادبی و یا در افقی گسترده‌تر از تجربه زندگی ببیند(Jauss, 2008:166&168). وی معتقد است با بررسی این سه عامل می‌توان افق انتظار یک اثر را بازسازی نمود (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳٤۲).

دربارهٔ پیشینه زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمرّه در ادب فارسی باید گفت، تاکنون تحقیق روشمندی در این باب صورت نپذیرفته است؛ دربارهٔ بهره‌گیری از روش بازسازی افق انتظار در چنین کاربردی یعنی زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمرّه در ادب فارسی، ای پژوهش کاملاً بدیع و نوآورانه است. به گونه‌ای که حتی در دنیا نیز از آرای یاوس کمتر برای تحلیل آثار تجسمی بهره گرفته شده است؛ از جمله معدود این تحقیق‌ها، تحقیق Jennifer Trimble در مقاله Reception theory (۲۰۱۵) است. وی در این مقاله برای کشف انتظارات رومی‌ها از مجسمه‌هایشان، از روش بازسازی افق انتظارات بهره گرفته است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از مطالعات فرمالیستی بر روی مجسمه‌ها و همچنین اطلاعات کلی در زمینه شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن دوران، بهره گرفته است. البته نتیجه بهره‌گیری از چنین اطلاعات کلی و ناکافی، پژوهشگر را وادار به اقرار برخی نواقص در بهره‌گیری از این روش از جمله مشخص نبودن پایگاه اجتماعی مخاطبین، ناکارآمد بودن این روش دربارهٔ بررسی اشیاء منحصر به فرد و حتی عدم تمایز واقعی دیدگاه مخاطب امروزی با مخاطب گذشته، نموده است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به

www.SID.ir

Archive of SID

(Trimble, 2015:606-610). لازم به ذکر است نگارندگان برای پرهیز از چنین مشکلاتی، از متون ادب فارسی به عنوان سند واقعی دریافت بهره گرفته است و حاصل آن را می‌توان در مقاله‌هایی با عناوین سیر تطور کشکول از منظر هانس روبرت یاوس، بازسازی افق انتظار صراحی و بازسازی افق انتظار آثار هنری کاربردی ایران (به استناد متون ادب فارسی) (۱۳۹۷) مشاهده نمود. از این رو پژوهش پیش رو نیز به نوعی بازتعریف روش ابداعی نگارنده برای زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی است.

بنابراین با توجه به این‌که شاعران وجوه شبه خود را از اشیاء روزمرّه بر پایه انتظارات و کاربردهای واقعی مخاطبین عصر خود انتخاب می‌کردند، می‌توان از روش بازسازی افق انتظار برای نگاهی زیبایی‌شناسانه به دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادبی بهره گرفت. برای کاربردی نمودن روش بازسازی افق انتظار، جهت نگاهی زیبایی‌شناختی به دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی، باید گفت اولین و دومین مرحله بازسازی افق انتظار یعنی تجربه پیشین مخاطب از گونه هنری و مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، به انتظارات کلی و جزئی مخاطبین از اشیاء روزمرّه به استناد متون ادبی تبدیل می شود؛ و این انتظارات کلی و جزئی مخاطبین، به استناد متون ادبی با ذکر شواهدی در متون ادبی و همچنین تصاویر این ظروف در میان آثار موجود موزه‌ای و یا حتی تصاویر این ظروف در برخی نگاره‌ها شناسایی می‌گردند. لازم به ذکر است شواهدی که از انتظارات واقعی یک شیء روزمرّه در دو مرحله اول و دوم ذکر شده‌اند، همگی در نقش وجه شبه هستند و دلیل این انتخاب نشان دادن هر چه بیشتر همسویی انتظارات واقعی مخاطبین از اشیاء روزمرّه با انتخاب آن ها به عنوان وجه شبه، توسط ادیبان و شاعران است. دربارهٔتطبیق آخرین و مهم ترین مرحله بازسازی افق انتظار برای زیبایی شناسی دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی، یعنی تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی یا تقابل خیال و واقعیت، به مقایسه انتظارات و کاربردهای واقعی کاربران یک عصر از یک شیء با استفاده خلاقانه و خیال‌انگیز شاعران از آن‌ها به عنوان وجه شبه، با ذکر شواهدی خیال‌انگیز و بدیع، پرداخته می‌شود ؛ تا بدین‌وسیله به میزان خلاقیت و خیال انگیزی

www.SID.ir

Archive of SID

دریافت آن در متون ادب فارسی هستند آگاهی یافت؛ و از این رهیافت می‌توان به تفسیر و درک زیبایی‌شناسانه بهتری از تشبیهات و استعارات برگرفته از اشیاء روزمرّه در متون ادبی نایل گردید. حال برای آزمون کارآمدی این روش، دو نمونه پردریافت در میان ظروف روشنایی انتخاب شدند؛ زیرا ظروف روشنایی به دلیل جایگاه نور و آتش در فرهنگ ایرانی و اسلامی، همواره یکی از پردریافت‌ترین، اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی بوده و شامل انواع مختلفی همچون قندیل، شمعدان، چراغ، فانوس، مشعله و ... است که در بین آن‌ها دو نمونه پردریافت قندیل و فانوس انتخاب گردید:

۱. زیبایی‌شناسی دریافت قندیل در متون ادبی با روش بازسازی افق انتظار

مرحله اول:

در این مرحله همچون دستورالعمل یاوس برای بازسازی افق انتظارات که باید ژانر و گونه‌ای که اثر به آن متعلق است مورد بررسی قرار گیرد، انتظارات کلی مخاطبین از قندیل معرفی می‌گردد:

-روشنایی این ظرف حاصل از سوختن فتیله آغشته به روغن بوده است:

خنک آن دم که فراش فرشنا اندر این مسجد / در این قندیل دل ریزد ز زیتون خدا روغن
(مولوی،۱۳۷٦ : ٦۹۸)

دیده روشن به خون دل ز من قانع شده است/ من ز قندیل حرم امساک روغن چون کنم
(صائب، ۱۳۸۷: ۲٦۱۵)

-این ظرف روشنایی به صورت معلق از سقف استفاده می شده و آویختن آن عموماً با سه زنجیر بوده است(تصویر شماره ۱):

چو قندیلم بر آویزند و سوزند /سه زنجیرم نهاده دست اعدا(خاقانی ، ۱۳۸۲، ص۲٤)

www.SID.ir

Archive of SID

عید آمد و قندیل صفت در محراب/ او را بسه زنجیر نگه نتوان داشت (کمال‌الدّین اصفهانی، ۱۳٤۸: ۸٤۸).

چیست از دور آن گوهر عجب ماهست یا اختر/ کچون قندیل نورانی معلق ز آسمان باشد (مولوی، ۱۳۷٦: ۲۵۲)

به چراغ رخ آن ماه که بردند به چرخ / هفت قندیل زراندود ازو نور جمال (خجندی، ۱۳۷۲: ٤)

تصویر شماره ۱) قندیل از جنس نقره، قرن ۱۱ هـ.ق، ارتفاع با زنجیر: ۷۷ س.م، عرض: ۱۸/٤ س.م، محل نگهداری: موزه ملی ایران، مأخذ تصویر: آرشیو موزه ملی ایران

مرحله دوم

www.SID.ir

Archive of SID

برای این مرحله، از بازسازی افق انتظار باید مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، بررسی نمود. در این اینجا به معرفی انتظارات جزئی مخاطبین از قندیل پرداخته می‌شود :

-یکی از کاربردهای این ظرف روشنایی برای تنویر محرابها بوده است:

دل از عشق تو چون قندیل دارم / که روی از حسن چون محراب داری (قوامی رازی، ۱۳۳٤: ۷۰)

بی نگاه گرم نبود گوشه ابروی او / هرگز این محراب عالمسوز بی قندیل نیست (صائب، ۱۳۸۷ ج۲: ٦٥١)

- روغن برخی از قندیل ها بر روی آب قرار می گرفته است:

تو را کی بود چون چراغ التهاب / که از خود پری همچو قندیل از آب(سعدی، ۱۳۸۵: ٤١٧)

دیده رخ چو آتش تو دید برفروخت / قندیل عشق در دل چون آب روشنم(سیف فرغانی، ١٣٦٤: ٢٩٥)

در میان ما و حق ذات نبی دانی که چیست / روغن قندیل کش با آب و آتش همسری است (اهلی شیرازی، ١٣٤٤: ٤٣٢)

نشئه می سازند رنگین نغمه می سازند خوش / آتش قندیل و آب سبحه یک جا کرده اند (نظیری نیشابوری، ١٣٤٠: ٥٤١)

-این ظرف روشنایی به دلیل توصیه های مذهبی در مقابر وقف می شده است(افلاکی،۱۳۸۵: ٢٤٩)

www.SID.ir

Archive of SID

روضه ات را من هوادارم به جان قندیل وار / آتشین دل در برم دایم معلق زین هواست(ساوجی، ۱۳۸۹: ۳۳)

گردون به نذر مرقد پاک تو بسته است/ سررشته شعاع به قندیل آفتاب (صائب، ۱۳۸۷ج ٦: ۳۵۵۱)

فلک یک خادم شب زنده دارش / چراغ افروز قندیل مزارش (اهلی شیرازی، ۱۳٤٤: ٥٧٤)

گردون به نذر مرقد پاک تو بسته است/ سررشته شعاع به قندیل آفتاب (صائب تبریزی، ۱۳۸۷ج ٦: ۳۵۵۱)

خود را بر آسمان نهم بیند ار شود / قندیل طاق درگه آن سرور آفتاب (محتشم کاشانی، ۱۳٤٤: ۱٤۱)

عقد قندیل روضه تو کند / طارم عرش را ثریائی(حزین لاهیجی،۱۳٦۲: ۱٦۰)

قندیل نیست گرد حریم تو بهر طوف / دلهای روشن است بهر سو کشیده صف (فضولی، ۱۹٦۲: ۱۵۹)

مرحله سوم:

طبق، سومین مرحله بازسازی افق انتظار، که تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی، تقابل خیال و واقعیت است، به مقایسه انتظارات واقعی کاربران از قندیل با استفاده خلاقانه از این انتظارات درمتون ادب فارسی پرداخته می‌شود :

قندیل به عنوان ظرف روشنایی که انتظارات متنوعی نزد کاربران از جمله روشنایی، فروزان بودن، تعلیق در محراب، نذر در مقابر داشته است؛ که به نظر می رسد مهم‌ترین این انتظارات که جلب نظر شاعران به عنوان وجه شبه کرده است، تعلیق این ظرف که

www.SID.ir

Archive of SID

عموما موجب تشبیه این ظرف به ماه و ستارگان شده و یا انتظار دیگر مهم کاربران که یعنی تعلیق آن‌ها در محراب، در شعر به عنوان وجه شبه عموما برای بخشیدن فضایی قدسی در شعر استفاده شده است. حال با ذکر شواهدی بدیع و خیال‌انگیز به مقایسه انتظارات واقعی مخاطبین از قندیل و دریافت آن‌ها در متون ادبی فارسی پرداخته می‌شود:

به عنوان مثال مولوی در بیت ذیل از انتظارات وجود آب و همچنین شیشه ای بودن برخی قندیل ها به عنوان وجه شبه برای تشبیه خلاقانه و بدیع از قندیل فاقد روشنایی به بول و قاروره[۳] در تشبیه به انسانی که وجودش نور و روشنایی ندارد بهره برده است.

آن زجاجی کاو ندارد نور جان / بول و قاروره ست قندیلش مخوان (مثنوی معنوی، ۱۳۸۵: ۷۳۰)

و یا در مثالی دیگر امیرخسرو دهلوی خلاقانه از چند انتظار مخاطبین از قندیل یعنی سوختن، تعلیق آن از محراب برای تشبیهی خیال‌انگیز و بدیع بهره برده است. به گونه‌ای که شاعر دل خویش را که فروزان از رخ معشوق است در حالت تعلیق در ابروان محرابی وی، همچون قندیل آویخته در محراب توصیف کرده است:

دلم چو رشته قندیل از آتش رخ خویش / بسوختی و به محراب ابروان آویخت (امیرخسرو دهلوی، ۱۳٦۱: ۱۱۳)

جامی نیز خلاقانه از سه انتظاری که مخاطبین از قندیل داشتند، یعنی تعلیق این ظرف، زرین بودن و نذر این گونه وسیله روشنایی در مقابر بزرگان، به عنوان وجه شبه، برای تشبیه خیال‌انگیز و خلاقانه قندیل زرین مزار بزرگی به دلو زرینی ک موجب رهایی دلها از چاه دنیا می‌شود ، بهره گرفته است:

دلو زر است صورت قندیل مرقدش / کز وی رهیده یوسف دلها ز حبس چاه(جامی، ۱۳۷۸: ٦۰)

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره یک) زیبایی‌شناسی دریافت قندیل با روش بازسازی افق انتظار ، مأخذ: نگارندگان

مرحله اول: معرفی انتظارات اصلی و کلی مخاطبین از قندیل	-روشنایی این ظرف حاصل از سوختن روغن بوده -روغن این ظرف بر روی آب قرار می گرفته -این ظرف روشنایی با سه زنجیر آویخته می شده
مرحله دوم معرفی انتظارات جزئی مخاطبین از قندیل	-یکی از کاربردهای جزئی قندیل بهره‌گیری از آن برای تنویر محرابها بوده است. -این ظرف روشنایی در مقابر نیزکاربرد داشته
مرحله سوم مقایسه انتظارات و کاربردهای کلی و جزئی واقعی کاربران و دریافت زیبایی شناسانه آن‌ها در متون ادب فارسی	قندیل انتظارات متنوعی برای مخاطبین خود از جمله تعلیق از سقف، قرار گرفتن روغن این ظرف بر روی آب، کاربرد آن در محراب ها و مقابر داشته که در نقش وجه شبه در متون ادب فارسی ظاهر شده‌اند؛ و شاعران خلاقانه از یک یا مجموعه ای از این وجوه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات خیال‌انگیز بهره گرفته‌اند. بنابراین می‌توان با شناخت انتظارات واقعی این ظرف روشنایی نزد مخاطبینشان به معیاری جهت زیبایی‌شناسی دریافت قندیل در متون ادب فارسی دست یافت.

٤. زیبایی‌شناسی دریافت فانوس در متون ادبی با روش بازسازی افق انتظار

مرحله اول:

در این مرحله همچون دستورالعمل یاوس برای بازسازی افق انتظارات که باید ژانر و گونه‌ای که اثر به آن متعلق است؛ بررسی می‌شود. بنابراین در این مرحله به انتظارات اصلی تر مخاطبین (کاربران) فانوس به استناد متون ادبی پرداخته می‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

–اولین انتظاری که مخاطبین از این نوع ظرف روشنایی داشتند این بوده که برای رفت و آمد کاربرد داشته و شعله شمع و یا چراغ را در برابر باد محافظت می نموده است:
اگر پرسند که معنی فانوس چیست؟ بگوی معنی فانوس آن است که دل در بدن مشابه شمع است در فانوس. پس همچنان که (فانوس) شمع را از باد هوا محافظت می‌کند تا نمیرد، شمع دل را نیز از هوای نفس نگاه باید داشت تا به واسطه وساوس او فرو نمیرد که شمع مرده را به یک دم زنده توان کرد؛ اما دلی که بعد از حیات معرفت به وسوسه نفس مرده شد دیگر بوی زندگی بدو نرسد. چنانچه خدای تعالی می فرماید: [کیف یهدی الله قوماً کفروا بعد ایمانهم]. (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۷۹)

پروانه که و، محرمی خلوت فانوس / چون درحرم شمع ره باد نباشد (وحشی بافقی، ۱۳۹۲ : ۸٤)

شمعم ز باد دامن فانوس می کشد / آن محنتی که در ره باد صبا نداشت (کلیم کاشانی، ۱۳۳٦: ۱۰۹)

پرده فانوس را، همچون پر پروانه سوخت / باد صرصر را همآغوش چراغم کرد و رفت (نسفی،۱۳۸۲: ۲۲۰)

حسن را از چشم بد شرم و حیا دارد نگاه / شمع را فانوس از باد صبا دارد نگاه (صائب، ۱۳۸۷ج٦: ۳۱۸۹)

مرحله دوم:

برای این مرحله، باید مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، بررسی گرداد که دربارهٔ مجمر به انتظارات جزئی‌تر مخاطبین از فانوس، پرداخته شود:
– انتظار جزئی که مخاطبین فانوس‌ها به استناد نمونه‌های موجود در موزه ها تا قرن ۸ هـ .ق ، مشبک بودن آن‌ها است (تصاویر زیر). چنانچه از دریافت این فانوس‌ها در شعر

www.SID.ir

Archive of SID

شاعران چنین استنباط می‌شود که به دلیل مشبک بودن این فانوس‌ها تا حد زیادی نور شمع یا چراغ محدود می شده است (تصویر زیر). در ابیاتی از مولانا به خوبی از معنای لگن (لگن در برخی فرهنگها به معنای فانوس نیز آمده است (لکن: *فرهنگ رشیدی*- *فرهنگ جهانگیری*)، فانوسی با چنین ویژگی‌ای استنباط می‌شود:

مست شد باد و ربود آن زلف را از روی یار / چون چراغ روشنی کز وی تو برگیری (مولوی، ۱۳۷٦: : ۷۳۸)

گر صورت شمع او اندر لگن غیرست / بر سقف زند نورش گر شمع لگن دارد (مولوی،۱۳۷٦: ۲٦۰)

چشم بد خود را خورد خود ماه ما زان فارغ است / شمع کی بدنام شد اگر نور او بستد لگن(مولوی، ۱۳۷٦ : ۷۳۷)

ای تو شمع نه فلک کز نه فلک بگذشته ای / تا چه سر است اینک تو اندر لگن پنهان شدی (مولوی، ۱۳۷٦: ۱۰۳۷)

آورد برون گردون از زیر لگن شمعی / کز خجلت نور او بر چرخ نماند اختر(مولوی، ۱۳۷٦: ٤۰۹)

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر شماره۲) فانوس سفالی، مکشوفه ازنیشابور، متعلق به قرن ٤ هـ.ق، طول: ٢٤/٥ س.م، عرض: ١٥ س.م، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، مأخذ تصویر: Wilkinson, 1973 : 343

–از قرن ۸ در ایران به علت حمله مغول تحت تأثیر فرهنگ چین در ایران فانوس‌های کاغذی و پارچه ای متداول می‌گردد؛ بنابراین فانوس‌های مشبک اعصار گذشته که نور شمع را تا حدی زیادی محدود می‌کردند، منسوخ شدند. این گونه فانوس‌ها به علت ساختار کاغذی و پارچه ای آن‌ها نمونه‌های موجود موزه‌ای ندارد ولی تصویر این گونه فانوس‌ها را در برخی نگاره‌ها از جمله نگاره ها؛ نگاره ای از بوستان سعدی، متعلق به عصر تیموری (تصویر شماره ۳) و نگاره سوگواری برای مرگ تیمور از ظفرنامه تیموری (تصویر شماره ٤) می‌توان مشاهد نمود. در متون ادب فارسی نیز از قرن ۸ فانوس‌های کاغذی و پارچه ای انعکاس یافته اند:

کاغذین خانه ست چون فانوس تا در وی زید / شمع ملک ایمن ز باد حادثات روزگار (جامی، ۱۳۷۸: ۱۰۳)

فروغ ساعدش از آستینها / چو نور شمع از فانوس پیدا(وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۳۹۰)

حرم عصمت میخانه چه دارالامنی است / شمع مهتاب به فانوس کتان می سوزد (صائب، ۱۳۸۷ ج٤: ١٦٤٤)

گاه عریان از جنون چون شمع می‌گردد کلیم / گاه چون فانوس می آید سراپا پیرهن (کلیم کاشانی، ١٣٣٦: ۳۰۲)

چون شمع که در پرده فانوس درآید / در عشق تو بردم به گریبان کفن داغ (حزین لاهیجی، ١٣٦٢: ۳۸۱)

www.SID.ir

Archive of SID

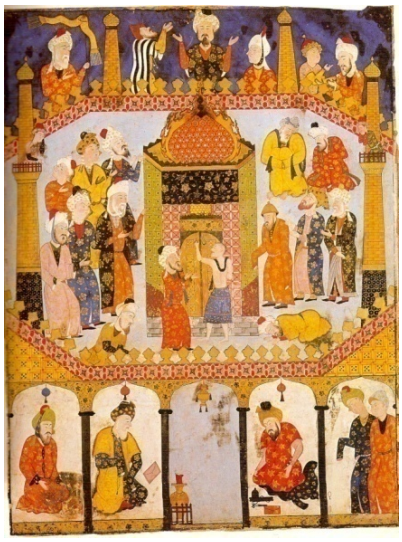

تصویر شماره ۳) تصویر فانوس‌های کاغذی بر سقف مسجد، در نگاره ای از بوستان سعدی، متعلق به عصر تیموری

جزئیات تصویر شماره ۳) فانوس‌های کاغذی بر سقف مسجد

www.SID.ir

Archive of SID

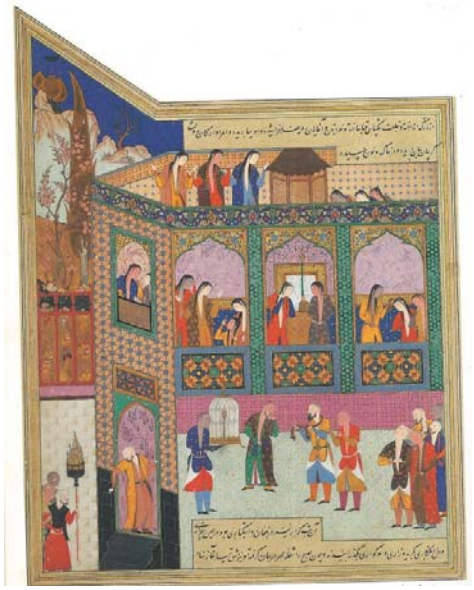

تصویر شماره ٤) مراسم سوگواری مرگ تیمور، منسوب به بهزاد، ظفرنامه تیموری، مأخذ تصویر: رجبی، ۱۳۸٤: ۸۹

جزئیات تصویر شماره ٤) تصویر فانوس پارچه ای در دست یک فرد.

–به نظر می رسد برخی از فانوس‌های پارچه‌ای به رنگ آل [٤] بوده اند، چنانکه این نوع فانوس را می‌توان در نگاره باربد نوازنده پنهانی از شاهنامه شاه طهماسب نیز تشخیص داد(تصویر شماره ۵):

همی راند تا شب به ناگه رسید / به ناگه یکی آتش از دور دید

درخشنده مانند فانوس آل / نگه کرد سالار فرخنده فال (خواجوی کرمانی، ۱۳۸٦: ٥٦٥)

www.SID.ir

Archive of SID

عجب شمعی که بی پروانه او / نبودش باد ره در خانه او
ز دست باد او کل لنگر افکند / در آن فانوس آل غنچه مانند (اهلی شیرازی، ۱۳٤٤: ۵۹۲)

در قبای آل، عالمسوز می‌گردد جمال / شمع در فانوس سوزد بیشتر پروانه را (صائب، ۱۳۸۷: ج ۱: ۱۱٦)

تصویر شماره ۵) نگاره متعلق به عصر صفوی، باربد نوازنده پنهانی، از شاهنامه شاه طهماسب، مأخذ تصویر: Canby, 2014: 320

www.SID.ir

Archive of SID

جزئیات تصویر شماره۵) فانوس آل

–چنین استنباط می‌شود که برخی از فانوس های عصر صفوی حبابهای شیشه ای داشتند:

می‌کند شیشه می جلوه فانوس امشب / آتش از لعل که یارب به می ناب گرفت؟ (صائب، ۱۳۸۷ ج۲: ۸۱۰)

نفس زیر عرق می پرورد شرم حباب اینجا / به پاس آبرو هر شمع با فانوس میسازد (بیدل، ۱۳۸۷ج۲: ۱۱۷٦)

شمع فانوس حباب از ما منور کرده اند/ روشنی داریم چندانی که خاموشیم ما (بیدل، ۱۳۸۷ج۲: ۵۸۷)

نوع دیگری از فانوس وجود داشته که موسوم به فانوس گردان یا فانوس خیال است که بر روی فانوس صوری را ایجاد می نمودند و با دود و یا گرمای چراغ حرکت می کرده است (فانوس خیال: *برهان قاطع*، *فرهنگ رشیدی–آنندراج*، فانوس گردان: *برهان قاطع–آنندراج*، فانوس خیالی: *آنندراج*). تنها نگاره ای که تصویر فانوس خیال را می‌توان در آن تشخیص داد؛ نگاره «همای در فردای ازدواج فرمان داده تا هنگام درآمدن

www.SID.ir

Archive of SID

از اتاق همایون سکه های طلا بر سر او بپاشند»، از دیوان خواجوی کرمانی، تصویر شده به سال ۷۸۱ هـ. ق می باشد. چنانچه در این تصویر هم می‌توان تعدادی فانوس خیال که بر زمین گذاشته شده‌اند و همچنین تعداد زیادی فانوس خیال را در دست افراد هستند، ملاحظه نمود (تصویر شماره ٦).

فروغ نور او از حد برون است / ز فانوس خیال ما فزون است (اهلی شیرازی، ١٣٤٤: ۷۰۳)

بیدل فلک از ثابت و سیار کواکب / فانوس خیال من و ما انجمنی بود (بیدل ، ۱۳۸۷ ج۲: ۱۰۸۱)

شمع فانوس خیالند ز بی آرامی / همه شب ز آتش سودای تو گل پیرهنان (صائب، ۱۳۸۷ ج ٦: ۳۰۳۷)

گردش نه آسمان از آه آتش بار ماست/ شمع می آرد به چرخ از دود خود فانوس را (صائب، ۱۳۸۷ج۱: ۳۹)

در رقص بود بگرد شمعت / فانوس خیال آسمآن‌ها (حزین لاهیجی، ١٣٦٢: ۲۰۲)

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر شماره ٦) نگاره همای در فردای ازدواج فرمان داده تا هنگام درآمدن از اتاق همایون سکه های طلا بر سر او بپاشند، دیوان خواجوی کرمانی، تصویر شده به سال ۷۸۱ هـ . ق، در بغداد، محل نگهداری: کتابخانه بریتانیا، مأخذ تصویر: بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ٤٤

جزئیات تصویر شماره ٦) تعدادی فانوس خیال که بر زمین نهاده شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

جزئیات تصویر شماره ٦) تصویر تعدادی فانوس خیال در دست افراد

مرحله سوم:

طبق سومین مرحله بازسازی افق انتظار، که تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی و یا تقابل خیال و واقعیت است، مقایسه انتظارات واقعی کاربران از فانوس با استفاده خلاقانه از این انتظارات درمتون ادب فارسی صورت می پذیرد:

فانوس به عنوان ظرف روشنایی که انتظارات متنوعی نزد کاربران از جمله روشنایی، فروزان بودن، محافظت شعله شمع یا چراغ در برابر باد، و ویژگی‌های جزئی این ظرف در اعصار مختلف، را برای این ظرف در متون ادبی فراهم کرده است. لازم به ذکر است این ظرف روشنایی تا قرن هشتم هـ.ق کمتر مورد توجه شاعران قرار گرفته‌اند، از جمله شاعرانی که از انتظارات واقعی این ظرف روشنایی به عنوان وجه شبه استفاده کرده اند، می‌توان به ابوسعید ابوالخیر و مولانا اشاره نمود که در آن‌ها کاملا ویژگی ظاهری فانوس‌های آن عصر که نور را تا حد زیادی مستور می‌کردند، استنباط می‌شود . ولی از قرن هشتم به بعد شاید به دلیل تغییر ساختار فانوس‌ها (که از این زمان به بعد نور شمع یا چراغ فانوس‌ها عموما با کاغذ یا پارچه محافظت می شدند) بسیار مورد توجه شاعران خصوصا شاعران سبک هندی قرار گرفتند. زیرا انتظارات خیال‌انگیز این گونه فانوس‌ها همچون نمایان بودن شمع در این گونه فانوس ها، نزد شاعران سبک هندی بسیار مورد توجه قرار گرفتند، ولی در بسیاری از این تشبیهات به دلیل ویژگی اصلی این سبک یعنی

www.SID.ir

Archive of SID

افراط در خیال پردازی (همانگونه که در بسیاری از مثالهای فوق می‌توان مشاهده کرد) نزد مخاطبین به سختی پذیرفته و یا اصلا پذیرفتنی نیست.

در ادامه باید گفت این تغییر انتظارات مخاطبین از فانوس های مشبک به فانوس‌های پارچه ای، که در اشعار به عنوان وجه شبه منعکس شده‌اند، می‌توان مفهوم تغییر افق انتظار مخاطبین را که یاوس مطرح نموده است، را مشاهده نمود. زیرا همانگونه که قبلا نیز ذکر شد، یاوس معتقد است که افق انتظار معیار ثابتی نیست و در طول زمان تغییر می‌کند؛ و این امر را می‌توان با انتظارات تغییریافته مخاطبین از فانوس در طول چند قرن تطبیق داد. حال با ذکر شواهدی بدیع و خیال‌انگیز به مقایسه انتظارات واقعی مخاطبین از فانوس و دریافت آن‌ها در متون ادبی فارسی پرداخته می‌شود :

اولین مثال بیتی است که ابوسعید ابوالخیر به خوبی در تشبیهی منحصر به فرد و بدیع از این ویژگی فانوس‌های مشبک عصر خود به خوبی، به عنوان وجه شبه برای تشبیه وجود نورانی و فروزان خویش در عشق الهی که حالتی پیدا و نهان دارد، بهره گرفته است:

مشهود و خفی چو گنج دقیانوسم/پیدا و نهان چو شمع در فانوسم(ابوسعید ابوالخیر، بی تا: ٦٤)

مثال دیگر بیتی است از حزین لاهیجی که بر خلاف انتظار مخاطبین از فانوس های مشبک زمان ابوسعید، از فانوسی سخن می گوید که کاملا نمایانگر شمع درون فانوس است و از این انتظار واقعی کاربران به عنوان وجه شبه برای تشبیه خیال‌انگیز نمایانگر بودن وضعیت درونی اش همچون شمع از پشت پارچه فانوس بهره برده است. البته لازم به ذکر است که وجه شبهی که حزین یافته بدیع و منحصر به فرد نیست و در بسیاری از اشعار سبک هندی مشاهده می‌شود :

در سینه حزین آه من سوخته پیداست / چون شمع که در پرده فانوس نهان نیست (حزین لاهیجی، ١٣٦٢: ٢٨٤)

www.SID.ir

Archive of SID

در آخرین مثال خیام، در بیتی بسیار هوشمندانه از وجود انتظارات چرخش و صور موجود بر فانوس خیال نزد مخاطبین برای تشبیه چرخ حیرت انگیز فلک برای انسان، بهره برده است:

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم / فانوس خیال از او مثالی دانیم

خورشید چراغدان و عالم فانوس/ ما چون صوریم کاندرو حیرانیم(خیام، ۱۳۷۳: ۱۷٤)

جدول شماره ۲)زیبایی‌شناسی دریافت فانوس بار روش بازسازی افق انتظار، مأخذ: نگارندگان

مرحله اول:معرفی انتظارات کلی و اصلی کاربران فانوس	-انتظار اصلی مخاطبین از این ظرف روشنایی محافظت شعله شمع و چراغ در برابر باد بوده است.
مرحله دوم : معرفی انتظارات جزئی تر کاربران فانوس	-ساختار فانوس ها تا قرن هشتم هـ.ق مشبک بوده و از توصیف اینگونه فانوس‌ها در برخی ابیات چنین استنباط می‌شود که نور چراغ یا شمع درون اینگونه فانوس‌ها بسیار مستور می گردیده است. -بعد از حمله مغولان از قرن هشتم هجری، تحت تاثیر فرهنگ چین، فانوس‌های کاغذی و پارچه ای متداول می شوند. -نوعی از فانوس‌های پارچه ای موسوم به فانوس آل بودند که وجه تسمیه آن‌ها رنگ زرد کمرنگ مایل به سرخی (رنگ آل) پارچه های آن‌ها بوده است. -به استناد برخی ابیات از عصر صفوی، برخی از فانوس‌ها در این عهد حباب شیشه ای داشتند. -همچنین نوعی از فانوس وجود داشته که بر آن صوری می کشیدند و با دود چراغ حرکت می کرده و موسوم به فانوس خیال و یا فانوس گردان بوده است.
مرحله سوم	فانوس انتظارات متنوعی برای مخاطبین خود از جمله محافظت شعله شمع یا چراغ در برابر باد، مشبک، کاغذی، پارچه و یا حباب دار

www.SID.ir

Archive of SID

مقایسه انتظارات و کاربردهای واقعی کاربران از فانوس با استفاده خلاقانه از این انتظارات در متون ادب فارسی	بودن فانوس ها در اعصار مختلف اسلامی داشته که در نقش وجه شبه در متون ادب فارسی ظاهر شده‌اند ؛ و شاعران با خلاقیت از یک یا مجموعه ای از این وجوه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات خیال‌انگیز بهره گرفته‌اند. بنابراین می‌توان با شناخت انتظارات واقعی این ظرف روشنایی نزد مخاطبینشان به معیاری جهت زیبایی‌شناسی دریافت فانوس در متون ادب فارسی دست یافت.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای نگاهی زیبایی شناختی به دریافت اشیاء روزمرّه در متون ادب فارسی که اغلب در دنیای کنونی مهجورند و مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات در ادب فارسی هستند، از روش بازسازی افق انتظار هانس روبرت یاوس بهره گرفته شد. زیرا شاعران و ادبیان با ریزبینی و خلاقیت از انتظارات متنوع اشیاء مختلف پیرامون خود، به عنوان وجه شبه برای خلق تشبیهات و استعاراتی بدیع و خیال‌انگیز بهره برده‌اند. در این پژوهش افق انتظار دو ظرف روشنایی پردریافت در متون ادبی (قندیل و فانوس)، با استناد به متون ادبی و همچنین نمونه‌های واقعی در موزه ها و یا تصاویر آن‌ها در برخی نگاره‌ها بازسازی گردید؛ و همانطور که ملاحظه گردید در دو مرحله اول و دوم بازسازی افق انتظار، انتظارات کلی و جزئی واقعی مخاطبین از آن‌ها، با شواهدی در متون ادبی که همگی آن‌ها در نقش وجه شبه هستند(به جهت نشان دادن همسویی انتخاب وجوه شبه در متون ادبی با انتظارات واقعی مخاطبین)؛ معرفی شدند.

در مرحله سوم نیز به مقایسه انتظارات واقعی این اشیاء (قندیل و فانوس) با کاربرد خیال‌انگیز این انتظارات در متون ادب فارسی به عنوان وجه شبه پرداخته شد، که با این مقایسه می‌توان به میزان خلاقیت شاعران و ادبیان در بهره‌گیری از انتظارات واقعی این ظروف به عنوان وجه شبه، در خلق استعارات و تشبیهات بدیع پی برد. به گونه‌ای که هر

www.SID.ir

Archive of SID

یک از این انتظارات به عنوان مثال وجود آب در قندیل موجبات تشبیهات و استعارات بسیار متفاوت و خیال انگیزی نزد شاعران گردیده؛ و یا شاعران با بهره‌گیری از چندین انتظار یا ویژگی که مخاطبین از آن‌ها داشتند (همان‌گونه که در بسیاری از مثال‌های شعری دیده شد)، تشبیهات و استعاراتی خیال‌انگیز را خلق نموده‌اند. همچنین برخی از این انتظارات به صورت معدود و یا حتی منحصر به فرد در شعر برخی از شاعران انعکاس یافته (مانند انعکاس فانوس‌های مشبک در ابیاتی از مولوی و بیتی از ابوسعید ابوالخیر) که می‌توان نشان از خلاقیت این شاعران در یافتن وجوه شبه بدیع و خلاقانه باشد. بنابراین با روش بازسازی افق انتظار، می‌توان به ابزار خوبی برای مقایسه انتظارات اشیاء روزمرّه نزد مخاطبین در عالم واقع با کاربرد خلاقانه آن‌ها به عنوان وجوه شبه نزد شاعران و ادیبان برای خلق تشبیهات و استعارات بدیع و خیال‌انگیز دست یافت. زیرا بدون شناخت انتظارات یک شیء نزد مخاطبین نمی‌توان به معنا و ارزش زیبایی شناختی بسیاری از تشبیهات و استعارات اشیائی که در متون ادبی توصیف شده‌اند نائل گردید. همچنین با شناخت انتظارات واقعی مخاطبین از اشیاء موجود در متون ادبی، نه تنها می‌توان به ارزش زیبایی شناختی و میزان خلاقیت شاعران در بهره‌گیری از ویژگی های اشیاء پیرامون خود، مطلع گردید، بلکه به مقایسه خلاقیت شاعران دربارهٔ یک شیء خاص پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱) ظرف شیشه ای شفاف، کوچک و مدور که به صورت مثانه می ساختند و در آن ادرار کرده به طبیب نشان می دادند(قاروره: *آنندراج*)

۲) رنگی که زردیش کم و قدری مایل به سرخی بود. رنگ شکری . رنگ نباتی (رنگ آل: *لغت‌نامه دهخدا*)

کتاب‌نامه

– ابوسعید ابوالخیر، فضل الله (بی تا)، *سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر*، به تصحیح سعید
ن: کتابخانه سنائی.

www.SID.ir

Archive of SID

- افلاکی، احمد بن اخی ناطور (۱۳۸۵)، *مناقب العارفین*، به کوشش تحسین یازیچی، تهران: دنیای کتاب.
- امیرخسرو دهلوی، ابوالحسن یمین الدین (۱۳٦۱)، *دیوان کامل امیرخسرو دهلوی*، به کوشش م درویش، تهران: جاویدان.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف (۱۳٤٤)، *کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی*، به کوشش حامد ربانی، تهران: سنائی.
- *آنندراج* (۱۳٦۳)، محمد پادشاه متخلص به شاد، کتابفروشی خیام، تهران.
- *برهان قاطع* (۱۳۳۲)، محمد حسین بن خلف تبریزی، بـه اهتمـام معـین محمـد، تهران: کتابفروشی زوار.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان (۱۳۸۱)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۷)، *غزلیات بیدل دهلوی ۳ج*، به تصحیح اکبر بهاروند، شیراز: نوید شیراز .
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۸)، *دیوان جامی ج ۱ و ۲*، به تصحیح اعلا خان افصح زاده، تهران: میراث مکتوب.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، *سیر تطور کشکول از منظر هانس روبرت یاوس*. ماهنامه باغ نظر. دوره ۱۵. ش٦۲.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، *بازسازی افق انتظـار صـراحی در عصر صفوی*، نشریه هنرهای صناعی ایران، دوره ۱، ش ۲.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، *بازسازی افـق انتظـار آثـار هنـری کاربردی ایران (به استناد متون ادب فارسی)*، دوره سوم، ش اول .
- حزین لاهیجی، محمد علی بن ابیطالب (۱۳٦۲)، *دیوان حزین لاهیجی*، به تصحیح بیژن ترقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- خجندی، کمال (۱۳۷۲)، *دیوان کمال خجندی*، به تصحیح احمد کرمی، تهران: ما.

www.SID.ir

Archive of SID

- خواجوی کرمانی، محمود (۱۳۸٦)، *سام نامه*، به تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- خیام نیشابوری، غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم (۱۳۷۳)، *رباعیات خیام*، با تصحیح محمدعلی فروغی و قاسم غنی، تهران: ناهید.
- رجبی، محمدعلی (۱۳۸٤)، *شاهکارهای هنر نگارگری ایران*، تهران، موزه هنرهای معاصر تهران.
- ریما مکاریک ایرنا (۱۳۹۰)، *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر*، مترجم مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳۸۹)، *کلیات سلمان ساوجی*، به تصحیح عباسعلی وفائی، تهران: سخن.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی*، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سیدای نسفی، میرعابد (۱۳۸۲)، *دیوان سیدای نسفی*، با تصحیح و تعلیق حسن رهبری، تهران: الهدی.
- سیف فرغانی (۱۳٦٤)، *دیوان سیف فرغانی*، به تصحیح ذبیح الله صفا، تهران: فردوسی.
- صائب تبریزی محمد علی (۱۳۸۷)، *دیوان صائب تبریزی*، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- *فرهنگ جهانگیری* (۱۳۵۱)، میر جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، عفیفی رحیم ، مشهد: دانشگاه مشهد.
- *فرهنگ رشیدی* (۱۳۳۷)، عبد الرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی، به تصحیح عباسی محمد ، تهران: بی نا.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳٤)، *دیوان قوامی رازی*، به تصحیح و اهتمام میر جلال

www.SID.ir

Archive of SID

الدین حسینی ارموی، تهران: چاپخانه سپهر.

- کلیم کاشانی، ابوطالب (۱۳۳٦)، *دیوان کلیم کاشانی*، به تصحیح و مقدمه ح. پرتو بیضائی، تهران: کتابفروشی خیام.
- کمال الدین اصفهانی، ابوالفضل (۱۳٤۸)، *دیوان کمال الدین اصفهانی*، به اهتمام حسین بحرالعلومی ، تهران: کتابفروشی .
- گلی، احمد و اسدی، سمیه (۱۳۹۳)، *نقش تصویر در تاویل متن*، پژوهش های ادبی و بلاغی، سال دوم، ش ۱.
- *لغت‌نامه دهخدا* (۱۳۷۲)، علی اکبر دهخدا، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- محمودی، مریم (۱۳۹۳)، *تشبیه برجسته ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه*، فنون ادبی، سال ششم، ش ۲.
- مولوی، جلال الدین رومی (۱۳۷٦)، *کلیات شمس تبریزی*، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، *فتوت نامه سلطانی*، به اهتمام محبوب محمد جعفر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وحشی بافقی، کمال الدین (۱۳۹۲)، *دیوان وحشی بافقی*، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: ثالث.

- Canby, Sheila (2014), *The Shahnama of Shah Tahmasp: The Persian Book of Kings*, New York : The Metropolitan Museum of Art.
- Cuddon .J.A (2013), *a dictionary of Literary Terms and Literary Theory*, Willy-Blackwell.

www.SID.ir

Archive of SID

- Dalu, Jones & George, Michell (1976), *The arts of Islam : Hayward Gallery, 8 April-4 July 1976*, London : Arts Council of Great Britain.
- Jauss, Hans-Robert (1982), "*Literary History as a Challenge to Literary Theory*." Critical Theory since 1965, .ED. Hazard Adams& Leroy Searle. Transl. Timothy Bathi. Tallahassee, Florida: University Press of Florida.
- Rafey. Habib (2005), *A history of literary criticism: from Plato to the present*, Malden:Blackwell.
- Trimble, Jennifer (2015). *Article of Reception theory from book of The Oxford Handbook of Roman Sculpture*, Oxford: Oxford University press.
- Wilkinson, Charles (1973), *Nishapur: pottery of the early Islamic period*, New York: Press of A.Colish, Inc.

www.SID.ir